بیانیه کنفرانس هفدهم اتحاد سوسیالیستی کارگری

بسوی سازماندهی یک جنبش اجتماعی چپ حول "نان کار آزادی"

مقدمه:
با خیزش دیماه ۹۶ که اوضاع سیاسی ایران را وارد دوران جدیدی کرد، اتحاد سوسیالیستی کارگری برای انطباق فعالیت خود با اوضاع تازه سه قطعنامه منتشر کرد: ۱- "پایان سیطره گفتمان اصلاح طلبی و آغاز دوران نوین در ایران و خاورمیانه" (هفتم بهمن ۹۶). ۲ - "نان کار آزادی، حکومت کارگری" (ششم اسفند ۹۶). ۳ - "خط مشی سوسیالیسم کارگری پس از خیزش دیماه ۹۶" (بیست خرداد ۹۷). کنفرانس شانزدهم در مرداد ۹۹ تغییرات سیاسی در جهان و منطقه و ایران را بررسی کرد و عوامل کمک کننده و بازدارنده که اوضاع تازه در چگونگی پیشبرد "خط مشی سوسیالیسم کارگری" بوجود آورده بود را مد نظر قرار داد و آنرا در بیانیه "تحولات ایران در دل اوضاع متلاطم جهان و منطقه" (مرداد ۹۹ – اوت ۲۰۲۰) تصویب کرد. بیانیه "بسوی سازماندهی یک جنبش اجتماعی چپ حول "نان کار آزادی"" (مرداد ۱۴۰۰ – اوت ۲۰۲۱) بررسی تولد یک حرکت سراسری علیه کلیت کل نظام در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ است که جدال بر سر نظام جانشین را به موضوع محوری سیاست ایران تبدیل کرده است. رقابت بلوک اپوزیسیون راست و چپ بر سر نظام جایگزین در ایران در دل ادامه شکل گیری یک "جنگ سرد جدید" با انتخاب بایدن، و سرنوشت پروژه اتمی که در مرکز تهدیدهای رژیم برای سهم دلخواهش در منطقه، جریان دارد. این بیانیه در ادامه مصوبه کنفرانس شانزدهم است و اساسا تغییرات یک ساله گذشته را مد نظر دارد.

اوضاع جهان

"جنگ سرد جدید" علیه چین که در دوره ترامپ به اوج رسیده بود در دوران بایدن نیز ادامه دارد. اروپا در دوره ترامپ علیه چین با آمریکا همراه نشد و اختلافات خود با چین را جداگانه و بدون اینکه به نفع آمریکا تمام شود، بیان می کرد زیرا خود اروپا نیز مورد حمله ترامپ بود. اکنون بایدن در تلاش است تا شکاف بین اروپا و آمریکا را کاهش دهد و اروپا را علیه چین با آمریکا همصدا کند. آمریکا به پیمان جهانی محیط زیست برگشت، می کوشد شکافهای درون ناتو که ترامپ ایجاد کرده بود را کاهش دهد و از مخالفت و تنبیه اروپا و آلمان برای خرید گاز از روسیه دست برداشته است.
مردم جهان در یک جدال مرگ و زندگی با ویروس کرونا بیش از سه و نیم میلیون نفر قربانی داده اند که سازمان بهداشت جهانی تعداد قربانیان را دو تا سه برابر گزارشات رسمی می داند. درعین حال کرونا بعنوان یک عامل غیر اقتصادی باعث یک کسادی اقتصادی جهانی شده است. طبعا هر کشور که سریعتر بتواند کرونا را کنترل کند سریع تر قادر است اوضاع اقتصادی خود را سر و سامان دهد. از این نظر با اینکه چین اولین کشوری بود که صدمات اقتصادی و انسانی بسیاری را متحمل شد اما در عین حال اولین کشوری هم بود که کرونا را کنترل کرد و تولیدات اقتصادی خود را از سر گرفت تا فاصله اقتصادی خود با آمریکا را کم کند.
مطابق پیش بینی ها چین قدرت اول اقتصادی جهان خواهد شد و تلاش آمریکا تنها برای کند کردن این روند است. بعلاوه اقدامات بایدن برای بازسازی زیر ساختهای آمریکا در عمل برای رقابت با اروپا خواهد بود تا آمریکا بسرعت به اقتصاد سوم جهان تبدیل نشود.

تغییر چهره خاورمیانه

از انقلاب ایران در سال ۵۷ تاکنون چهره سیاسی خاورمیانه تغییرات اساسی کرده است. مسله اصلی خاورمیانه که اختلاف "اعراب و اسرائیل" بود به اختلاف "رژیم اسلامی و اسرائیل" تبدیل شده است. سه ارتش کشورهای سوریه، عراق و لیبی که "محور مقاومت" علیه اسرائیل بودند از بین رفته اند و جای آنها را سازمانهای حماس، حزب اله لبنان و جهاد اسلامی گرفته اند که هر سه مورد حمایت مالی و نظامی رژیم اسلامی هستند. هدف اسرائیل جلوگیری از دسترسی رژیم اسلامی به سلاح اتمی است و تا کنون هم خسارات سنگینی به تاسیسات اتمی رژیم اسلامی زده و هم افراد کلیدی این پروژه را کشته است.
از زمان اوباما خاورمیانه جایگاه استراتژیک خود را نزد آمریکا از دست داده و مقابله با گسترش نفوذ چین در اولویت نخست قرار گرفته است. خروج آمریکا از افغانستان و عراق بخشی از نتایج تغییر اهمیت استراتژیک خاورمیانه است. آمریکا به دست خود دو دشمن رژیم اسلامی را در عراق و افغانستان از میان برداشت و جا را برای نفوذ رژیم اسلامی در منطقه مهیا کرد. حال با خروج آمریکا میرود تا چین و روسیه جای آمریکا را در خاورمیانه پر می کنند. با اینکه این دو کشور متحد رژیم اسلامی هستند اما مانند آمریکا هم مخالف سهم خواهی رژیم اسلامی در منطقه اند و هم مخالف دسترستی این رژیم به سلاحهای اتمی.
بنابراین خروج آمریکا به معنای بهتر شدن موقعیت رژیم اسلامی در منطقه نیست.
کشورهای عراق و لبنان دچار بحران های عمیق سیاسی و اقتصادی هستند و مردم این کشورها متحدین رژیم اسلامی در این کشورها را از بانیان وخامت اوضاع می دانند. بگونه ای که اعتراض مردم لبنان و عراق به اوضاع نابسامان اقتصادی و سیاسی کشورشان با اعتراض به رژیم اسلامی عجین شده است. مردم سوریه نیز رژیم اسلامی را همدست بشار اسد در آوارگی، کشتار و ویرانی کشورشان می دانند.
در راستای تقویت موقعیت روسیه در خاورمیانه، این کشور طرح نظام امنیتی مورد نظر خود برای خاورمیانه را به عربستان پیشنهاد کرده که طبعا دلخواه رژیم اسلامی نیست. به این اعتبار می توان حدس زد که با خروج آمریکا از منطقه رژیم اسلامی برای سهم خواهی خود در منطقه عملا رو در روی روسیه و چین قرار خواهد گرفت. سهم خواهی رژیم اسلامی در خاورمیانه با پروژه اتمی آن عجین و در هم تنیده است. مذاکرات وین برای بازگشت آمریکا به برجام به بن بست رسیده است. رژیم اسلامی مخالف گنجاندن بند مذاکره درباره برد موشکی و سهم خواهی منطقه ای خود در برجام است و آمریکا نیز قادر نیست تمام تحریمهای دوران ترامپ را تعلیق کند و تضمین دهد که روسای جمهور آینده آمریکا از برجام خارج نمیشوند و یا مکانیسم ماشه را برای برگرداندن تحریمهای جهانی فعال نمی کنند.
اقتصاد ایران در آستانه ویرانی است و ادامه زندگی در فلاکت اقتصادی مرگبار را برای دهها میلیون مردم دشوار ساخته است. اگر خامنه ای و سپاه نخواهند دست از جاه طلبی های جنون آمیز خود در منطقه بردارند تنها راه باقیمانده برای رژیم رفتن به سمت ساختن بمب اتمی است تا شاید آمریکا تسلیم شود و تحریمها را لغو کند. قمار کسب توانایی ساختن بمب از نظر فنی و تکنیکی و منوط کردن آن به اراده سیاسی حاکمان رژیم اسلامی میرود تا تنها راه خروج از مخمصه برجام خامنه ای و سپاه باشد.

اوضاع ایران

با انتخابات ۲۸ خرداد ۱۴۰۰ رژیم اسلامی خود را برای مقابله با سه عرصه آماده می کند: الف، ساختن بمب اتم و مقابله با پیامدهای آن در داخل و خارج. ب، مقابله با بحران جانشینی خامنه ای. ج، سرکوب مردمی که عزم جزم کرده اند تا آنرا سرنگون کنند.
ساخت بمب اتم- رژیم اسلامی از تحریمهای برجامی و غیر برجامی، از محدودیت اعتبار برجام به دوره بایدن، از ریسک بازگشت آمریکا به برجام و فعال کردن بند ماشه با هر دلیل و بهانه ای، از فشار برای محدودیت در برد سلاحهای موشکی و از مخالفتهای آمریکا با سیاستهای منطقه ای خود خلاص نمیشود مگر تسلیم آمریکا شود یا بمب اتم بسازد. اقدامات رژیم اسلامی برای کاهش نظارت آژانس بین المللی اتمی بر فعالیتهایش، غنی سازی اورانیوم بالای ۶۰ درصد و ساختن فلز پلوتونیوم همگی نشان از قمار بزرگ

انتخاب راه دوم یعنی دستیابی به دانش فنی ساخت بمب اتم و موکول کردن ساخت آن به اراده سیاسی نظام دارد تا از این طریق از مخمصه فعلی خلاص شود. آرایش نظام برای آمادگی با عواقب قمار ماجراجویانه سپاه و خامنه ای است.

تعیین جانشین - مرگ خامنه ای در شرایط کاملا متفاوتی از مرگ خمینی روی می دهد. خامنه ای هنگامی ولی فقیه شد که یک جنگ هشت ساله تازه پایان یافته بود. با فتوای خمینی هزاران زندانیان سیاسی در یک سکوت خبری کشته شدند. اختلافات درون نظام حاد نبود و در حد شورای رهبری و یا تعیین یک فرد بود و همچنین تفاوت موقعیت مذهبی خامنه ای با مفاد قانون اساسی درباره مشخصات ولی فقیه. منتها رفسنجانی نزد سران رژیم از چنان موقعیتی برخوردار بود که بتواند ماجرای تعیین جانشین خمینی را بدون ایجاد یک تنش حاد در بالا مدیریت کند.

خامنه ای بعنوان ولی فقیه از چنان قدرت سیاسی، نظامی، امنیت و مالی برخوردار است که جناحهای رژیم را برای تصاحب جایگاهش به جان هم بیاندازد و شکاف حاد جناحها را تا نهایت افزایش دهد. هیچ شخصی در نظام با موقعیت رفسجانی دیگر وجود ندارد که عملیات تعیین جانشین را مدیریت کند. شکاف بین مردم و رژیم چنان عظیم است که هر شکاف در بالا دعوت از مردم برای گسترش مبارزه برای سرنگونی کل نظام است.

سرکوب مردم - مردم ایران بر خلاف انتظار خامنه ای و سپاه دو ماه پس کشتار بیش از ۱۵۰۰ نفر در آبانماه ۹۸ مبارزات خود را در دیماه ۹۸ با اعتراض به کشتار ۱۷۶ نفر سرنشین هواپیمای مسافربری اوکرائین توسط شلیک آگاهانه سپاه از سر گرفتند و آنرا با امتناع از شرکت در انتخابات مجلس در دوم اسفند ۹۸ ادامه دادند. ادامه مبارزات مردم ارکان نظام را بدین نتیجه رساند که خانه نشین کردن مردم به کشتارهای وسیع تری نیاز دارد و ترکیب آدمکشانی که سران سه قوه شده اند بخشی از آمادگی برای شدت عمل بیشتر علیه مبارزات مردم است.

کرونا از اوایل دیماه ۹۸ و از طریق طلاب چینی مدارس مذهبی قم وارد ایران شد. اما رژیم اسلامی آنرا انکار می کرد تا خللی در برگزاری تظاهرات ۲۲ بهمن و انتخابات مجلس در دوم اسفند ۹۸ پیش نیاید. نزدیک به دو ماه ویروس مردم ایران را مبتلا می کرد و می کشت تا رژیم اسلامی پذیرفت که کرونا وارد ایران شده است. پس از آن نیز تا ساخته شدن واکسن، مردم در ایران بدون هیچ تامین مالی، دارویی و درمانی از طرف رژیم، در مقابل ویروس رها شدند تا درد بکشند و بمیرند. با ساخته شدن ویروس نیز خامنه ای ورود واکسن ساخت انگلستان و آمریکا را به ایران ممنوع کرد و با سیاست وعده دروغ در مورد ساختن واکسن در داخل و واردات واکسن از کشورهای "مجاز"، رسما با ویروس کرونا در کشتن مردم همدست شد. یک سال و نیم پس از ورود ویروس کرونا به ایران مطابق آمار رسمی نزدیک صد هزار نفر جان خود را از دست داده اند و خود مقامات رژیم رقم واقعی را تا سه برابر رقم اعلام شده می دانند.

نگرانی از ویروس کرونا در مبارزه مردم علیه رژیم اسلامی وقفه انداخت و به نفع رژیم شد. بعلاوه با تعطیلی دانشگاه ها جنبش نوپای دانشجویی که چند سالی بود با سمت گیری بسوی اتحاد با جنبش کارگری مجددا در حال رشد بود نیز کلا از صحنه خارج شد. اکنون کشتار مردم در اثر سیاست عامدانه به تاخیر انداختن واردات واکسن و دروغ بافی در ساختن واکسن داخلی از نظر مردم ایران قتل عمد محسوب میشود و بخشی از کارنامه جنایت رژیم اسلامی علیه مردم است.

جدال آلترناتیوها

رژیم اسلامی توان رفع بحرانهای عظیمی که زندگی مردم ایران را با مخاطرات جدی روبرو کرده ندارد و اعتراضات مردم را با دستگیری، شکنجه و کشتار پاسخ می دهد. گره خوردن مبارزات مردم برای هر خواستی با مبارزه علیه دیکتاتوری، خامنه ای، اصل ولایت فقیه و کل نظام ریشه ناتوانی رژیم اسلامی در برآورده کردن مطالبات مردم دارد و همین جدال و رقابت آلترناتیوها را به مرکز سیاست ایران رانده است.

در مجموع دو جایگزین چپ و راست برای رژیم اسلامی وجود دارد. در جناح راست که شامل جریانات متعدد است همگی خواهان یک سیستم اقتصادی نئو لیبرال، خصوصی سازیهای گسترده و حذف یارانه های انرژی و کالاهای اساسی هستند. اختلاف اساسی گروهبندی راست با رژیم اسلامی بر سر ساختار سیاسی است. در میان خود گروهبندی راست نیز اختلاف بر سر ساختار سیاسی سلطنتی و جمهوری است که با ادعای رضا پهلوی که نمی خواهد شاه بشود، شکاف بین آنها فعلا فروکش کرده و به بعد از سرنگونی رژیم اسلامی موکول شده است.

جنبشهای اجتماعی و طبقاتی ایران نظیر جنبش کارگری، زنان، دانشجویی، معلمان، بازنشستگان و جنبشهای رفع ستم ملی در نظام جانشین مورد نظر اپوزیسیون راست به خواستهای خود نمی رسند. حمایت جریانات اپوزیسیون راست از مبارزه این جنبشها به معنای دفاع از مطالبات آنها نیست بلکه برای نقش مبارزه این جنبشها در متزلزل کردن رژیم اسلامی است. جریانات اپوزیسیون راست از اعتراضات کارگران پروژه ای برای حداقل دستمزدی که کمتر از ۱۲ میلیون (مطابق خط فقر) نباشد، حمایت می کنند اما هیچ یک وعده نمی دهند که در بدو به قدرت رسیدنشان حداقل دستمزد کارگران را تا سطح خط فقر افزایش می دهند. از اعتراضات معلمان و دانشجویان حمایت می کنند اما مخالف تحصیل مجانی و درمان رایگان هستند که صریحا خواست مشترک کارگران و دانشجویان و معلمان است. از مبارزات کارگران هفت تپه دفاع می کنند اما خصوصی سازی در مرکز سیاستهای اقتصادی آنهاست.

تشکل های مستقل کارگری، ضمانت آزادیهای سیاسی

مبارزات کارگران مانند سال ۵۷ نباید نیروهای ضد کارگر را به قدرت برساند. کارگران در دوران شاه تشکلهای واقعی خود را نداشتند و تازه پس از قیام تلاش کردند تا تشکلهای خود را ایجاد کنند. اما رژیم تازه به قدرت رسیده بلافاصله به تشکلهای کارگری نوپا هجوم برد و کمتر از دو سال و نیم با اخراج، دستگیری و شکنجه فعالین جنبش کارگری بسیاری از شوراها را منحل کرد. پس از سی خرداد شصت نیز باقیمانده تشکلهای کارگری را که از سرکوبهای تا آنزمان جان بدر برده بودند، از میان برداشتند تا اوضاع اسفبار کنونی را به کل طبقه کارگر دهها میلیونی ایران تحمیل کند.

جنبش کارگری ایران در همین دوران رژیم اسلامی باید تشکلهای خود را بسازد تا هم در شکل دادن به یک نظام جانشین که منافع طبقه کارگر و متحدینش را تامین کند سهم اساسی داشته باشد و هم اگر آلترناتیو راست به قدرت برسد قدرت ادامه مبارزه برای کسب مطالباتش را داشته باشد. آنها که ایجاد تشکل کارگری را به بعد از رژیم اسلامی موکول می کنند در هر لباسی که باشند منافع مستقل طبقه کارگر را مد نظر ندارند و در تکرار بلایی که بر سر دهها میلیون کارگر و خانواده هایشان پس از انقلاب آمد، سهیم هستند.

جنبش کارگری ایران در دل مبارزه برای خواستهایش باید موانع نظری و عملی ایجاد تشکلهای کارگری را بیابد و رفع کند و تشکلهای محل کار، در سطح شهر، منطقه و سراسری خود را ایجاد کند و بیاموزد که چگونه در عین داشتن نظرات متفاوت اتحاد خود را نیز در مقابل دولت و کارفرماها حفظ کند.

وجود انواع تشکلهای کارگری از جمله سندیکای واحد و سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه که در دهه هشتاد ایجاد شدند حاکی است که در شرایط اختناق ایجاد تشکل کارگری ممکن است. جریاناتی که ایجاد تشکل کارگری در شرایط اختناق را ناممکن می دانند جنبش کارگری را به سمت یک جنبش "همه با همی" سوق میدهند که اختناق کنار زده شود تا شرایط ایجاد تشکل کارگری مهیا گردد.

ایران در تقسیم کار جهانی سرمایه داری در زمره کشورهای محل صدور سرمایه است. نظامهای حاکم بر ایران مستقل از اینکه شاهنشاهی، ملاشاهی و یا جمهوری باشد برای جلب سرمایه های خارجی به طبقه کارگری با دستمزدهای پائین و فاقد حق تشکل و اعتصاب نیاز دارد. کارکرد و نیازهای حرکت سرمایه در ایران سران رژیمهای حاکم را مستقل از اینکه چه اندیشه ای در سر دارند و چه قولهایی داده اند به ناگزیر

به سخنگویان منافع صاحبان صنایع و سرمایه تبدیل می کند و به این اعتبار دیکتاتوری روبنای سیاسی هر نوع نظام سرمایه داری در ایران است.

جنبش کارگری علیه فقر مرگباری که رژیم اسلامی به آن تحمیل کرده چاره ای جز مبارزه ندارد. مبارزات کارگری پیروز نمی شود مگر متحد و متشکل باشد. وجود تشکلهای مستقل سراسری کارگری که دهها میلیون عضو دارد مهمترین ضامن حفظ آزادی بیان، تجمع و تشکل است. لذا نزد جنبش کارگری مبارزه برای نان و آزادی در هم تنیده و جدایی ناپذیر است. این موضوع محور مسلط کردن گفتمان جنبش کارگری و کل سوسیالیسم ایران علیه آلترناتیو راست است که "دمکراسی خواه" بودن طبقه متوسط را از گفتمان شکست خورده اصلاح طلبی به عاریت گرفته اند.

جناح چپ و سوسیالیست جنبش کارگری باید به اقدامات خود برای ایجاد حزب شتاب دهد. اتحاد سوسیالیستی کارگری نیز بعنوان بخشی جدایی ناپذیر از جناح چپ و سوسیالیست جنبش کارگری باید به سهم خود فعالیت هایش را برای ایجاد حزب که در بیانیه "بسوی حزب" آمده، گسترش دهد. پیروزی جنبش کارگری در گرو داشتن حزب و تشکلهای مستقل سراسری، هر دو است.

نان کار آزادی" محور سازماندهی جنبش اجتماعی چپ"

پس از خیزش دیماه ۹۶ که اعلام عبور مردم از هر دو جناح رژیم اسلامی بود، پس از اعتراضات ۹۷ و خیزش آبانماه ۹۸ که در مناطق و شهرهای مختلف روی داد، امتناع مردم از شرکت در انتخابات ۲۸ خرداد ۱۴۰۰ تولد حرکت سراسری مردم ایران علیه کل رژیم اسلامی بود. شرکت یا عدم شرکت در انتخابات ریاست جمهوری ۲۸ خرداد که عملا به آری یا نه به کلیت رژیم تبدیل شد گفتمان اصلاح طلبی را کنار زد بدون اینکه هیچ یک از گفتمانهای آلترناتیو راست یا چپ اپوزیسیون جای آنرا تماما پر کرده باشد.

در جنبش کارگری، دانشجویی، زنان، معلمان، بازنشستگان و جنبش رفع ستم ملی، "نان کار آزادی" مطرح ترین و پرقدرت ترین شعار است. "نان کار آزادی" که از نظر سپاه و قوه فاسد قضائیه شعاری سوسیالیستی است عملا محور اتحاد این جنبشهاست. در نقطه مقابل و در بعضی از اعتراضات عمومی شعارهای "جمهوری ایرانی" و "رضا شاه روحت شاد" مطرح شده که هر دو شعارهای جناح راست و سلطنت طلب اپوزیسیون هستند. شعارهای جناح راست اپوزیسیون تاکنون به گستردگی "نان کار آزادی" با پسوندهای متفاوت و از جمله اداره شورایی، پوشش اختیاری، تحصیل و درمان رایگان نبوده است. این یک نقطه قدرت بزرگ کل سوسیالیسم ایران نسبت به جناح راست است که محور اتحاد جنبشهای اجتماعی و طبقاتی فعال ایران "نان کار آزادی" است و برای سازماندهی یک جنبش اجتماعی چپ حول آن از موقعیت بهتری برخوردار است.

طبعا دست بالا یافتن هر یک از گفتمانهای راست یا چپ و شعارهایشان یک گام اساسی بسوی پیروزی نظام جانشین مورد نظر هر یک از آنهاست. با اینکه گفتمان اصلاح طلبی شکست خورده و اتکا به صندوق رای بشدت تضعیف شده اما کل جریانات مخالف انقلاب در میان مدافعان و مخالفان رژیم در سنگر "گذر غیر خشونت آمیز" از رژیم اسلامی به مخالفتشان علیه انقلاب ادامه می دهند. با این حال با قطعیت می توان گفت که در نظام آینده مذهب جایی ندارد و مجازات اعدام لغو خواهد شد.

در اپوزیسیون چپ دو گروهبندی وجود دارد: الف، احزاب و سازمانها و منفردین سوسیالیست. ب، اتحاد جنبشهای کارگری، زنان، دانشجویی، معلمان، بازنشستگان، فعالین محیط زیست و جنبشهای رفع ستم ملی حول "نان کار آزادی" با پسوندهای متفاوت. اکنون برتری گفتمان سوسیالیستی برای سازماندهی یک چپ اجتماعی در تقابل با آلترناتیو راست در گرو حمایت احزاب، سازمانها و منفردین سوسیالیست از "نان کار آزادی" است. در تفاوت با انقلاب ۵۷ اکنون جنبشهای اجتماعی و اتحاد آنها محور مبارزات علیه رژیم اسلامی است. به این اعتبار تاثیر جریانات مختلف سوسیالیست بر اوضاع از طریق تاثیر گذاری بر این جنبشها میسر است. فراخوان به اعتصاب و تجمع از طریق این جنبشها صورت میگیرد و نه مانند انقلاب

۵۷ از طریق احزاب و شخصیت ها. این جنبشها دارای فعالینی هستند که در محل مورد اعتمادند. اتحاد و همکاری احزاب سوسیالیست حتی اگر ممکن گردد بدون بدنه یک جنبش اجتماعی قدرتمند تاثیر و نقشی در شکل دهی به یک نظام جانشین نخواهند داشت. سابقه تلاش برای اتحاد و همکاری احزاب از همان ابتدا با مانع اختلافات سیاسی سابق و حال آنها با یکدیگر روبرو بوده است. اما همه احزاب، سازمانها و منفردین سوسیالیست قادرند در ابتدا نه با هم بلکه در دفاع از یک جریان سوم در ایران که جنبش "نان کار آزادی" است متحد شوند و یک جنبش اجتماعی چپ برای مقابله با آلترناتیو راست را سازمان دهند. وجود یک حرکت اجتماعی چپ در ایران خود شرایط آماده ای را برای همکاری جریانات سوسیالیست ایجاد میکند.

سرنگون باد رژیم اسلامی
زنده باد انقلاب
زنده با سوسیالیسم
نان کار آزادی اداره شورایی
زنده باد جنبش نان کار آزادی
نان کار آزادی حکومت کارگری
کنفرانس هفدهم اتحاد سوسیالیستی کارگری
مرداد ۱۴۰۰ــ اوت ۲۰۲۱